

ملالی جویا ، ۱۹ ثور ۱۳۹۳



متأسفانه اینبار حوادث طبیعی یکی پی دیگری فقیرترین مردم ما را در سوگ نشانده است. رنج از دست دادن به‌ها تن عزیزان ما در اثر سیلاب های سال جاری هنوز تسکین نیافته بود که رانش زمین در قریه باریک آب ولسوالی ارگویی بدخشان صدها تن را به کامش فرو برد. ماتم از دست دادن دلبندان مردم سوگووارم را به خانواده های شان تسلیت گفته خود را شریک این ماتم ملی می‌دانم. قلب من از دیدن تیره‌روزی بدخشانیان و مردم در هرکنج کشور فشرده و پردرد می‌گردد، این درد زمانی برایم جانفرس‌تر می‌گردد که امکانات کمک عملی به این عزیزانم را در اختیار ندارم.

یکچنین فجایع در کشوری غرق فساد که ستمکاران و عناصر بی‌وجدان و ضد‌مردمی بر آن حکمرانی دارند، با پیامدهای مدهشی بدرقه می‌شوند.

مقامات دولتی که باید فوری به نیازهای مصیبت‌دیدگان رسیدگی می‌کردند، همه در ارگ و قصرهای فرعون‌ی خود غرق چانه‌زنی روی نتایج انتخابات مسخره بوده برای کسب کرسی‌ها در دولت آینده مصروف معامله‌گری و ساخت و پاخت بودند. اما وقتی بوی بی‌حسی و اختگی‌شان در برابر سرنوشت مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بلند شد، چندین وزیر و معاون و کاندیدان ریاست جمهوری یکی پی دیگری با صرف هزاران دالر و گله محافظان شان طیارات خصوصی و نظامی را به خدمت گرفته به محل شتافتند. آنان در برابر کمره‌های خبرنگاران چند جمله طوطی‌وار بیان کرده برگشتند. عبدالله و اشرف‌غنی با حيله و نیرنگ کوشیدند با سوگ این مردم تجارت سیاسی نموده به مثابه کمپاین انتخاباتی از آن سود برند.

والی بدخشان که خود یکی از غارتگران جمعیتی است سوگ مردم ارگو را زمینه طلایی برایش دانسته جهت غصب کمکهای رسیده با جمعی از گرگان اطرافش دندان تیز می‌کند. او اولاً با بی‌مسئولیتی و رذالت خاص و بدون هیچگونه تحقیق اعلان نمود که سه‌هزار تن درین حادثه کشته شده اند تا بتواند کمکهای بیشتر جهانی را به چنگ آورده به جیب زند، اما بعدتر از روی بررسی تیم های نجات معلوم

گردید که حداکثر سیصدتن قربانی گردیده اند.

در کشورهای که دولت خود را در برابر سرنوشت مردمش مسئول می‌داند در حوادث به مراتب کوچکتر، بلذپایه ترین مقامات دولتی فوری به ساحه سانحه شتافته تلاش بخرچ می‌دهند که جسد آخرین قربانی نیز از زیر آوار بیرون آورده شود. اما حاکمان خاین افغانستان با بیشر می‌ای که شاید در تاریخ نظیرش وجود نداشته باشد در اولین ساعات اعلان کردند که توان بیرون کردن قربانیان را ندارند و آنرا قبر جمعی نامیده بالایش نماز جنازه غیابی خواندند. اما عمق رذالت اینان زمانی آفتابی تر شد که تعدادی از اینان در کنار جنازه‌های هموطنان ما عکس‌های خندان گرفتند که توگویی برای تفریح و خوشگذرانی به آنجا رفته باشند.



اینان اگر ذره‌ی حس انسانی می‌داشتند باید از برخورد جدی مقامات سایر کشورها در برابر اینچنین حوادث می‌آموختند. همین اکنون برای بازیابی طیاره ناپدیدشده مالیزیایی بیش از 17 کشور امکانات شانرا به کار انداخته اند. و یا در حادثه غرق شدن کشتی شاگردان مکتب کوریای جنوبی رئیس جمهور آنکشور فوری استعفا داد چون ناله‌های بازماندگان وجدانش را نارام ساخته بود. چند ماه قبل وقتی در اثر ریزش تونل چند تن از معدنچیان پیرویی در زیر زمین گیرماندند، رئیس جمهور آنکشور شخصا کار نظارت بر عملیات نجات را بدوش گرفته 13 روز متوالی را در محل سانحه گذشتاند تا اینکه با استفاده از آخرین امکانات تمامی گیرماندگان را نجات دادند.

اما در افغانستان نگوینخت ما اظهارات و عکس‌العمل دولت در پیوند با یکچنین حوادث حکم نمک‌پاشی بر زخم ملت را دارد. همین چند روز قبل در اثر عملیات حفاری غیرمجاز و غیرمسلمکی در ولایت سمنگان بیش از 20 تن از کارگران معدن قربانی گردیدند، اما مسئولین دولتی زیر این نام که این معدن غیرقانونی بوده از رسانیدن کوچکترین کمک ابا ورزیدند ولی کسی نگفت که اگر این حفاری واقعا غیرقانونی بوده و از آن اطلاع داشت چرا تا کنون جلو اینکار را نگرفتند.

درین میان مردم ارگو خوشبخت بودند که حداقل سوگ شان انعکاس جهانی یافت و موضوع به سرخط

رسانه‌ها بدل شده کمکهایی نیز به آنان رسید. اما همین حالا در نقاط دیگر بدخشان، تخار، فاریاب، سرپل، بادغیس و غیره صدها خانواده در اثر سیلاب‌های پیاپی هست و بود شانرا از دست داده اند اما کوچکترین کمکی به آنان نمی‌رسد و حتی یادی از آن نمی‌شود.

فاجعه آرگو آنچه را برای ملت به اثبات رسانید تفاوت حس انسانی سرمداران دولت و مردم بود. اگر مقامات دولتی بی‌حسی و ضدملی بودن شانرا ثابت کردند، اما برعکس مردم ولایات مختلف کشور باهمدلی خود را در عزای بدخشانیان شریک دانسته هرسو به جمعآوری کمک برای قربانیان شتافتند. برای مردم عام ما زبان و سمت و قوم مطرح نبود و بصورت بیسابقه و یکصدا اعلان کردند که درد جانکاه آرگو درد همه ملت است. شاید به دلیل انعکاس همین همبستگی ملی میان توده‌های مردم بود که کرزی هم شرم دانست که اگر به دیدار بازماندگان نرود و در واقع این سفر هرچند نمایشی بر او ناخواسته تحمیل شد.

آنچه مردم ما از حواشی این رویداد بیاموزند اینست که وقتی همدل و یکصدا بی‌توجه به مرزبندی‌های قومی و زبانی و سمتی و مذهبی برخیزیم، می‌توانیم خواسته‌های خود را بر فاسدترین و پلیدترین حاکمان نیز تحمیل نماییم و اگر قدمی بیشتر گذاشته دست به مبارزه عملی زنیم دیگر هیچ دولت خائنی حتی در پناه ماشین جنگی امریکا و متحدانش نیز توان ایستادگی در برابر خشم مردم را نخواهد داشت.